

المُعْجَم (واژه‌نامه)



عربی هفتم

أفة: أفت، أسيب	أمان: امنیت	أحياء: زندگان	أنتم: شما (مذكر)
أوسط: میانه‌ترین	أولئك: آنان، آن	أمرأة: زن	أمرأ: مرد، انسان
أوسطها: میانه‌ترین آن‌ها	أمر: کارها	بلا: بدون	بنت: دختر
تلك: آن (مؤنث)	تفكر ساعة: ساعتی فکر کردن	ثمر: میوه	جبل: کوه
جاهل: نادان	جالس: نشسته	جميل: زیبا	حسن: خوبی
حجر: سنگ	حديقة: باغ	خشب: چوب	خير: بهتر، بهترین
خير من: بهتر است از	دهر: روزگار	ذهب: طلا	ذلك: آن (مذكر)
رجل: مرد	رضا: رضایت	سبعين: هفتاد	سنة: سال
شجر، شجرة: درخت	صف: کلاس	صحة: تندرستی	صورة: عکس
صداقة: دوستی	صغر: خردسالی، کوچکی	صابر: صبور، صبرکننده	طالب: دانش‌آموز، دانشجوی
طلب: خواستن	طبيب: پزشک	على: بر، روی	عليك: بر تو، به زیان تو
عيرة: پند	عالم: دانشمند	عداوة: دشمنی کردن	عند: نزد، کنار
فخر: افتخار	فريضة: واجب دینی	في: در، داخل	فاتر: برنده
فلاح: کشاورز	قرائت: خواندن	قيمة: ارزش، قیمت	ك: مانند
ك: كات، كات	كالشجر: مانند درخت	كبير: بزرگ	كتب القصص: کتاب‌های داستان
كرسى: صندلی	كرسيان خشيان: دو صندلی چوبی	كلام: سخن	كثر: گنج
ل: برای	لك: برایت، به سود تو	لاعب: بازیکن	لوحة: تابلو
لهذا الصف: این کلاس دارد (برای این کلاس هست)	مرأة: زن	مجالسة: هم‌نشینی	مجالسة العلماء: هم‌نشینی با دانشمندان
مجهول: ناشناخته، گمنا	مخجبة: باحجاب	مرء: انسان، مرد	مسرور: خوشحال
ممتاز: ممتاز	من: از	مرتفع: بلند	مفتاح: کلید
مكتبة: کتابخانه	موت: مرگ	مجاهد: رزمنده	ناجح: موفق، پیروز
نسيان: فراموشی	نافذة: پنجره	نحن: ما	نعمتان مجهولتان: دو نعمت ناشناخته هستند.
نظيف: پاکیزه	ولد: پسر، فرزند	والدين: پدر و مادر	ورد، وردة: گل
واقف: ایستاده	هذا: این (مذكر)	هذه: این (مؤنث)	هاتان: این دو، این‌ها، این (اشاره به دو اسم مؤنث)
هذان: این دو، این‌ها، این (اشاره به دو اسم مذكر)	هم: ایشان، آن‌ها (مذكر)	هن: ایشان، آن‌ها (مؤنث)	هما: ایشان، آن دو، آنان (مذكر)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ : هذا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هذه صورةٌ جَمِيلَةٌ

هو: او (مذكر)	هي: او (مؤنث)	هؤلاء: اينان، اينها، اين	يوم: روز
ه، هُ، هِ، ش، ـ او، ـ آن	ذَهَبِه: طلايش، طلايِ او	ها: ـ ش، ـ او، ـ آن	

المتضادات (كلمه‌های متضاد)

امراة (زن) ≠ امرا (مرد)، رَجُل (مرد)	اولئک (انان، آن) ≠ هؤلاء (اينان، اين)
صداقة (دوستي) ≠ عداوة (دشمني)	مراة (زن) ≠ مرء (مرد)
عليک (به زيان تو) ≠ لک (به سود تو)	هذا (اين براي مذکر) ≠ هذه (اين براي مؤنث) (از نظر جنسيت)
بنت (دختر) ≠ وُلد (پسر)	جالس (نشسته) ≠ واقف (ايستاده)
ذلک (آن) ≠ هذا (اين) (از نظر فاصله متضادند)	تلک (آن) ≠ هذه (اين) (از نظر فاصله متضادند)
عالم (دانا) ≠ جاهل (نادان)	تلک (آن براي مؤنث) ≠ ذلک (آن براي مذکر) (از نظر جنسيت)

المترادفات (كلمه‌های مترادف)

امراة = مرء (مرد)	امراة = مراة (زن)
هذه = هذا (اين) (از نظر معنا مترادف هستند.)	ذلک = تلک (آن) (از نظر معنا مترادف هستند.)

جموع التکسير (جمع‌های مکسر)

صَف (کلاس): صُفوف (کلاس‌ها)	رَجُل (مرد): رِجال (مردها، مردان)	شَجَر (درخت): أَشجار (درختان)
وُلد (پسر، فرزند): أولاد (پسران، فرزندان)	کَنْز (گنج): کُنوز (گنج‌ها)	طالِب (دانش آموز، دانشجو): طُلاب (دانش آموزان، دانشجویان)
مِفْتاح (کلید): مِفْاتيح (کلیدها)	خَشَب (چوب): أَخشاب (چوب‌ها)	يَوْم (روز): أَيام (روزها)
حَدِيقَة (باغ): حَدائق (باغ‌ها)	حَيّ (زنده): أَحياء (زندگان)	حَجَر (سنگ): أَحجار (سنگ‌ها)
عَبْرَة (پند): عِبَر (پندها)	کَبير: کبار	عالم: علماء
کُرسي: کراسي (صندلی‌ها)	نافِذة: نوافذ (پنجره‌ها)	امر: امور (کارها)

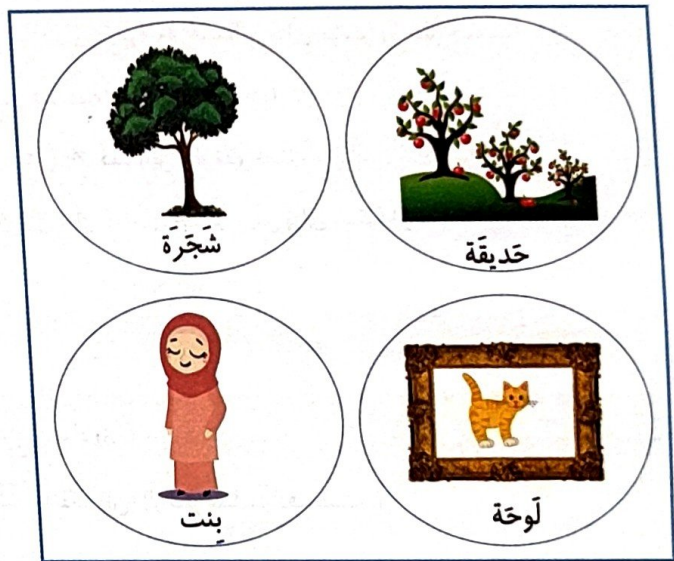
کارگاه آموزشی ۱

الف) اسم از نظر جنس

به تصاویر و عنوان هر یک از آنها توجه کنید.

الف) مؤنث

ب) مذکر



همان طور که شما هم متوجه شدید اسمها را می توان از نظر جنس به دو دسته تقسیم کرد:

۱) «اسم مؤنث» ۲) «اسم مذکر»

منظور از اسم مؤنث همان اسمهایی است که در آخر آنها اصولاً «ة» وجود دارد.

مثال: حَدِيقَة - نَافِذَة - شَجَرَة و ...

اما اسم مذکر نشانه خاصی ندارد و در واقع هر اسمی که مؤنث نباشد، مذکر است. مانند: رَجُل، صَف و ...

نکته: باید به یاد داشته باشیم که علامت اصلی اسم مؤنث «ة» می باشد، اما گاهی ممکن است برخی از اسمها دارای چنین علامتی نباشند و ما آنها را مؤنث لحاظ کنیم. مانند: بنت (دختر)

نکته: منظور از مؤنث یا مذکر بودن در زبان عربی، این نیست که همه مؤنثها، زن یا جنس ماده هستند و همه مذکرها مرد یا جنس نر هستند، بلکه تقسیم بندی مذکر و مؤنث در اسمها فقط از روی علامت ظاهری است. مثلاً «لوحه» به معنای تابلو دارای «ة» (علامت مؤنث) است. اما زن و جنس ماده نیست و جبل به معنای کوه، مذکر است اما مرد و جنس نر نیست.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ : هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صَوْرَةٌ جَمِيلَةٌ

ب) اسم اشاره

ما برای اشاره به انسان، شیء یا حیوان از اسم‌های اشاره استفاده می‌کنیم. حال، با توجه به مؤنث یا مذکر بودن و همچنین دور یا نزدیک بودن چیز یا کسی که مورد اشاره ما می‌باشد اسم‌های اشاره مربوط به آن را به کار می‌بریم:



مذکر: هَذَا (این) هَذَا صَفٌّ



مؤنث: هَذِهِ (این) هَذِهِ طَبِيبَةٌ



مذکر: ذَلِكَ (آن) ذَلِكَ وَكْتُ



مؤنث: تِلْكَ (آن) تِلْكَ بِنْتٌ

اشاره به نزدیک

اسم اشاره برای یک شیء، انسان یا حیوان

اشاره به دور

نکته: اسم‌های حروف الفبا در عربی: الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

نکته: حروف «گ، چ، پ، ژ» (کچ - پژ) در عربی نوشتاری (فصیح) وجود ندارد؛ اما در عربی گفتاری، گاهی تلفظ می‌شوند.

مثال: اسم‌های مذکر و مؤنث را در جملات زیر مشخص کنید.

الف) ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.

ب) مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال باید به علامت مؤنث (ة) و نیز کلماتی که علی‌رغم نداشتن علامت مؤنث، مؤنث محسوب می‌شود توجه کرد.

اسم مذکر: ذَلِكَ، الرَّجُلُ، شَاعِرٌ، الْعُلَمَاءُ

اسم مؤنث: مُجَالَسَةُ، عِبَادَةٌ

مثال: در جای خالی اسم اشاره مناسب قرار دهید.

تِلْكَ

هَذَا

١) الرَّجُلُ كَالْجَبَلِ.

تِلْكَ

هَذَا

٢) الطَّالِبَةُ فِي الْمَدْرَسَةِ.

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال باید به مذکر یا مؤنث بودن کلمه‌ای که در حال اشاره به آن هستیم توجه کنیم.

١) هَذَا: الرَّجُلُ مذکر و اسم اشاره مربوط به آن، هَذَا می‌باشد.

٢) تِلْكَ: الطَّالِبَةُ مؤنث و اسم اشاره مربوط به آن، تِلْكَ می‌باشد.